

متن پرسش

سلام: در جواب سوال ۱۰۷۲۷ ذکر کردید که ۱. اگر حضرت می پذیرفتند شرط عبدالرحمن رو این بمنزله تایید سیره خلفا تلقی می شد حال سوالم دقیق این است که ۱. آیا آن کمک به عثمان، تایید سیره عثمان و خلفا نبود؟! ۲. حضرت پاسخی غیر از صراحت در رد کردن خلافت نمی توانست بدهد؟ به عبارت دیگر نه آن چنان رد کند و نه کاملاً قبول کند بلکه توریه و مثل این کارها را برای خدا بکند. تا بعد از آنکه به حکومت رسید با آنها مبارزه کند. همچنان که می بینید امام در دوران ۵ ساله حکومت خودش لحظه ای کوتاه نیامد و دست به جنگ جمل و غیره زد. حال بفرمایید چه مصلحتی در کار بود که امام روحی فداه ترجیح داد بجای تغذیه شدن جامعه از او، ۱۲ سال دیگر جامعه از امام معصوم محروم بماند و جامعه با عثمان به انحراف بیشتر برود. ۲. در قسمت دوم جوابتون این نکته را یافتم «اگر حضرت خودش در صحنه می آمد چون افراد جبهه مقابل از او بغض داشتند لذا می خواست با مستقیم ورود نکردنش آتش جنگ را بیشتر نکند البته باز مجبور شد بیاید» درست است؟ لطفا شواهدی را برای مجبور شدن حضرت ذکر فرمایید؟ تذکر جدی: بنده حقیر، خس بی سر پای هم در مقابل مولایم علی (علیه السلام) هم نیستم. غرض از این سوالات (نه شبهات) هم این است که با کمک شما بتوانم امامم، واسطه فیض عالم را بهتر در همه ابعاد از جمله سیاست و حکومت داری درک کنم البته اگر رزق باشد تا به قلبم برسد. چرا که درک از شرایط پیچیده جامعه برای هرکسی مقدور شاید نباشد. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- کمک به عثمان در آن تاریخ تلاشی بود که خلیفه‌کشی باب نشود ۲- اگر حضرت علی «علیه السلام» در آن مقطع تاریخی شورا مرز خود با خلفا را تعیین نمی کردند دیگر علی «علیه السلام» آن علی که به قول شما بعداً ۱۲ سال جامعه از امام محروم نکند نبود، خودش یک سیاسی کار بود. بنده قبلاً عرض کردم اگر فرصت بگذارید و فضای تاریخی آن زمان را احساس کنید، نه تنها به عظمت کار حضرت مولا پی می برید و ارادتان صدچندان می شود راه کار زندگی قدسی در این زمانه را نیز می یابید، إن شاء الله. موفق باشید